

تحلیلی بر میزان اهمیت و به کارگیری دستاوردهای علمی حوزه برنامه درسی در نظام‌های

آموزشی شرکت‌های صنعتی: فرصت‌ها و تهدیدها*

The importance and application of scientific findings on curriculum in courses offered by industrial companies

دریافت مقاله ۱۳۸۹/۳/۲۲، پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۸/۲۵

M. Amin Khandaghi, (Ph.D)

دکتر مقصود امین خندقی^۱

Abstract: The present study was aimed at exploring importance and application of scientific findings in curriculum among courses offered by industrial companies in Mashad. In this survey study all corporate managers and specialists involved in industrial training were approached. The Bruner questionnaire on cognitive dimensions of curriculum was used for data collection. Interviews were conducted to supplement quantitative findings. Results showed that all cognitive dimensions of curriculum were of high importance in industrial training. However, they were poorly applied in practice. In general, findings indicated that curriculum knowledge base was ignored in industrial training in Mashad and a lack of academic insight was evident in courses offered. Finally, some suggestions were made to improve the current situation and to bridge the gap between theory and practice.

Key words: industrial training, curriculum, cognitive dimensions

چکیده: هدف مقاله حاضر بررسی و تحلیل میزان اهمیت و به کارگیری دستاوردهای علمی حوزه برنامه درسی در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی شهرستان مشهد است. روش پژوهش توصیفی پیمایشی و جامعه آماری آن مدیران یا کارشناسان خبره واحد آموزش شرکت‌های صنعتی بزرگ مشهد است و بررسی به شیوه سرشماری انجام گرفته است. به منظور بررسی نظام‌مند دستاوردهای علمی و مفهومی حوزه برنامه درسی، از پرسش‌نامه ابعاد معرفتی برنامه درسی مارک برونر (۲۰۰۱) استفاده گردید. علاوه بر پرسش‌نامه (ابزار اصلی تحقیق)، از ابزار تکمیلی مصاحبه نیز به منظور بسط و تبیین یافته‌ها استفاده گردید. یافته‌ها نشان داد که همه ابعاد معرفتی حوزه برنامه درسی از اهمیت بالایی در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی مورد بررسی برخوردارند. لیکن عمدتاً از حیث میزان به کارگیری این دستاوردها، نظام‌های آموزشی شرکت صنعتی از وضعیت ضعیف و پایینی برخوردارند. از این رو، میان میزان اهمیت و میزان به کارگیری دستاوردهای علمی حوزه برنامه درسی در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی مورد بررسی تفاوت معناداری وجود داشت.

کلید واژه‌ها: برنامه درسی، صنعت، ابعاد برنامه درسی، نظام آموزشی، مدیران آموزش، شرکت صنعتی.

* این طرح با حمایت مالی و معنوی معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه فردوسی مشهد (طرح شماره ۱۴۶۷۰) انجام پذیرفته است.

E-mail: aminkhandaghi@gmail.com

تلفن تماس: ۰۹۱۵۹۰۹۰۱۲۶

۱. نویسنده مسئول: استادیار دانشگاه فردوسی مشهد



طرح مساله

بررسی‌ها نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی و اجتماعی در هر جامعه‌ای وابسته به توسعه آموزش و کیفیت آن است (شیخی، ۱۳۷۶: ۲۵۲). آموزش به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان و عناصر ایجاد تغییرات مطلوب در جهت همگامی و هماهنگی هرچه بیشتر و بهتر با تحولات تغییرات پرشتاب جوامع، سازمان‌ها و شرکت‌های عصر حاضر، از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است. سازمان‌های امروزی، به ویژه سازمان‌های صنعتی در حال رشد و توسعه کمی و کیفی بوده و نیازمند نیروهای انسانی تربیت یافته و کارآمد هستند و فقدان آن نیز یکی از مسائل اساسی و حاد هر سازمان را تشکیل می‌دهد؛ زیرا امروزه منابع انسانی از ارکان اساسی هر سازمان به شمار می‌آید. به طوری که هم می‌تواند باعث پیشرفت یک سازمان شود و هم این‌که می‌تواند آن را متوقف و یا از بین ببرد (یاسین و خنفر، ۲۰۰۹). شاهد این مدعا صرف منابع مالی و پولی هنگفت برای بخش آموزش در سازمان‌های صنعتی نوین است. برای مثال شرکت IBM آمریکا در یک سال مبلغ دو میلیارد دلار صرف آموزش کرده است (فراسون^۱، ۲۰۰۳/ به نقل از کرمی، ۱۳۸۶: ۳). بنظر می‌رسد اتکا به آموزش و بهره‌گیری از آن، نقش اساسی در تحقق اهداف سازمانی شرکت‌های صنعتی دارد؛ به عبارت دیگر، وجهه همت نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی در مفهوم کلی آن تلاش هدفمند در جهت فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای تحقق اهداف سازمانی به طور عام و اهداف آموزشی مرتبط با آن به طور خاص است. در این میان، برنامه درسی^۲ عنصری بنیادین و ابزاری مهم برای تحقق اهداف مزبور محسوب می‌شود.

برنامه درسی یکی از کلیدی‌ترین عناصر نظام‌های آموزشی است؛ بنحوی که توسعه و بقای نظام‌های آموزشی علاوه بر عوامل زیرساختی و بودجه، به کیفیت برنامه درسی آن‌ها وابسته است. توجه به برنامه درسی در نظام آموزشی شرکت‌های صنعتی نقش اساسی در تعیین کیفیت مباحث مربوط به محتوا و سازماندهی آن، اهداف برنامه درسی، رویکردهای طراحی برنامه درسی، تعیین روش‌ها و راهبردهای یاددهی - یادگیری در آن‌ها دارد.

۱. Frasson

۲. Curriculum

تحلیلی بر میزان اهمیت و به‌کارگیری دستاوردهای علمی...

امروزه رشته برنامه درسی قلمرو تخصصی و مطالعاتی بوده و دارای دستاوردهای مفهومی و علمی گسترده‌ای است. برنامه درسی به عنوان یک قلمرو تخصصی، حوزه‌ای متنوع و پیچیده است (برونر، ۲۰۰۱: ۴۴) و این‌که چه چیزی را در برمی‌گیرد و حدود و ثغور آن چیست، همواره محل بحث و مشاجره بوده است. حوزه برنامه درسی، یکی از انشعابات اساسی علوم تربیتی است که علیرغم جوان بودن و سابقه تاریخی اندک از لحاظ مباحث نظری یکی از چالش‌زاترین و بحث‌انگیزترین حوزه‌های معرفت بشری محسوب می‌گردد. نوپا بودن این رشته تخصصی باعث شده است که در اغلب زمینه‌های این حوزه، نظیر تبیین حدود و ثغور موضوعی و ماهیت مباحثی که باید در این رشته مورد بحث قرار گیرند، توافق نظر وجود نداشته باشد.

از این‌رو، یکی از مهم‌ترین مباحثی که در بین متخصصان برنامه درسی از دیر باز وجود داشته است، بحث حدود و ثغور برنامه درسی است. به عبارت روشن‌تر، اگر بخواهیم مرزهای نسبی یک حوزه تخصصی برنامه درسی را تبیین نماییم، باید بررسی کنیم که چه مسائلی و موضوعاتی مورد توجه صاحب‌نظران و متخصصان برنامه درسی است. البته متخصصان برنامه درسی اغلب درباره آن چه که قلمرو یا ابعاد معرفتی برنامه درسی را نشان می‌دهد توافق ندارند. بوشامپ قلمرو معرفتی برنامه درسی را به دو بخش کلی تقسیم می‌نماید: بخش نخست، طراحی برنامه درسی^۱ است که به شناسایی عناصر تشکیل‌دهنده برنامه و نوع تصمیماتی که در ارتباط با هر یک از آن‌ها گرفته می‌شود، می‌پردازد. بحث دیگر در این بعد، الگوهای سازماندهی محتواست. بخش دوم از منظر بوشامپ، مهندسی برنامه درسی نامیده می‌شود که شامل تدوین، اجرا و ارزشیابی برنامه درسی است. مباحث اجرا و ارزشیابی برنامه درسی تا حدود زیادی قابل تصورند؛ اما مبحث تدوین برنامه درسی عمده‌تاً ناظر به مباحثی از قبیل انعطاف برنامه، اقشار تصمیم‌گیرنده و خاستگاه برنامه درسی است (مهرمحمدی، ۱۳۷۷ و ۱۳۷۶: ۱۴۰-۱۳۸).

کونلی و لانتز^۲ چهاربعد معرفتی یا موضوع برای حوزه برنامه درسی قائل اند که عبارتند از: ساخت برنامه درسی^۳، مدیریت برنامه درسی^۴، مطالعه برنامه درسی^۵ و ماهیت برنامه درسی^۶.

۱ . Curriculum design

۲ . Connelly & Lantz

۳ . Curriculum making

۴ . Curriculum managing

۵ . Study of the curriculum

۶ . Nature of the curriculum

ساخت برنامه درسی اشاره به تدوین برنامه درسی یا برنامه‌ریزی درسی^۱ دارد. مدیریت برنامه درسی اشاره به مباحث مدیریتی و اجرایی برنامه درسی دارد. مطالعه برنامه درسی در حقیقت به قواعد و شیوه‌های تحقیق در برنامه درسی و ماهیت برنامه درسی به مباحثی چون موضوعات درسی^۲، محتوا و دیسیپلین‌ها می‌پردازد (کونلی و لانتز، ۱۹۹۱: ۱۶).

فتحی و اجارگاه (۱۳۸۱: ۲۶) ابعاد برنامه درسی را در هفت بعد: مبانی برنامه ریزی درسی، مهندسی برنامه‌ریزی درسی (طراحی، ساخت و تدوین برنامه درسی)، اجرای برنامه درسی، تغییر برنامه درسی، ارزشیابی برنامه درسی، تاریخ برنامه درسی و تحقیق و پژوهش در برنامه درسی طبقه بندی می‌کند.

جان مک‌نیل^۳ (۲۰۰۶) ابعاد و حدود و ثغور حوزه برنامه درسی را در چهار قسمت تعریف می‌کند: جهت‌گیری‌های برنامه درسی، برنامه‌ریزی درسی، مدیریت برنامه درسی و پژوهش برنامه درسی.

جهت‌گیری‌های برنامه درسی ابزاری برای تفکر درباره برنامه درسی هستند. این بعد ناظر به بررسی جهت‌گیری‌ها و برداشت‌های کلان نسبت به برنامه درسی است. بعد برنامه‌ریزی درسی ناظر بر تصمیم‌گیری درباره آنچه که باید تدریس شود، چگونگی تدریس و روش‌های تدریس و همچنین طراحی و انتخاب فرصت‌های یادگیری و سرانجام بحث سازماندهی فرصت‌های یادگیری است. مدیریت برنامه درسی نیز دارای سه بخش فرعی است: ۱) مدیریت برنامه درسی که ناظر به اجرای برنامه درسی، تغییر و ایجاد اصلاحات در برنامه درسی است؛ ۲) ارزشیابی برنامه درسی اشاره به مباحث ارزیابی و سنجش برنامه‌های درسی دارد؛ ۳) سیاست‌های برنامه درسی که به مباحثی نظیر سیاست‌های برنامه درسی^۴، تصمیمات سیاست‌گذارانه درباره برنامه درسی و مشارکت‌کنندگان در تعیین سیاست‌های برنامه درسی می‌پردازد. بعد نهایه حوزه برنامه درسی، پژوهش در برنامه درسی است که ناظر به روش‌های تحقیق و منطق تحقیق در برنامه درسی است.

۱ . Curriculum development

۲ . Subject matters

۳ . McNeil

۴ . Curriculum policy

تحلیلی بر میزان اهمیت و به‌کارگیری دستاوردهای علمی...

طبق آنچه تاکنون در ابعاد حوزه برنامه درسی از منظر متفکران مختلف مطرح گردید، دستاوردهای مفهومی این حوزه را در نگاهی نظام‌مند، می‌توان در قالب ابعاد معرفتی حوزه برنامه درسی^۱ جستجو کرد. لذا، با وجود عدم توافق عام، تشکیل یک چارچوب برای مفهوم-سازی قلمروها یا ابعاد برنامه درسی حائز اهمیت است. در این بخش با الهام از دیدگاه بهار^۲ (۱۹۹۴) ابعاد معرفتی حوزه برنامه درسی در نه بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد که عبارتند از؛ فلسفه برنامه درسی، نظریه برنامه درسی، پژوهش برنامه درسی، تاریخ برنامه درسی، ارزشیابی برنامه درسی، طراحی برنامه درسی، سیاست‌گذاری برنامه درسی، برنامه ریزی درسی و اجرای برنامه درسی.

در ادامه، ضمن ارائه تعریفی کوتاه از این ابعاد؛ مجموعه فعالیت‌ها و اعمال ۶۸ گانه‌ای که در هر یک از این ابعاد نه‌گانه می‌توان در نظام‌های آموزشی بکار بست، توضیح داده می‌شود.

فلسفه برنامه درسی: به جهت‌گیری کلان ارزشی اطلاق می‌شود که به منظور تعیین غایبات و اهداف نهایی برنامه درسی بکار می‌رود. برخی از فعالیت و اعمال مطرح در این بعد معرفتی عبارتند از: انتخاب و اجرای فلسفه‌ای معین درباره آموزش، تعیین و تدوین اهداف آرمانی و غایی آموزش، تعیین جهت‌گیری (ایدئولوژی) برنامه درسی، مشخص ساختن ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی سازمان و جامعه، و

برنامه‌ریزی درسی: مجموعه فعالیت‌ها و اقداماتی که منجر به تولید و تدوین برنامه درسی می‌گردد. برخی از فعالیت و اعمال مطرح در این بعد معرفتی عبارتند از: تولید راهنمای برنامه درسی، تعیین رویه‌های مورد نیاز برای برنامه ریزی درسی، مشخص ساختن افراد مورد نیاز برای مشارکت در تولید و تدوین برنامه درسی، تلفیق محتوا و تجارب یادگیری در تدوین برنامه درسی، مشخص ساختن وظایف و نقش‌های مورد نیاز در تولید برنامه درسی، تعیین و تدوین عناصر برنامه درسی (از قبیل هدف، محتوا، شیوه‌های ارزشیابی و ...)، تعامل با متخصصان برنامه درسی و بهره‌گیری از نظرات و تجارب آنان و

پژوهش برنامه درسی: مجموعه فعالیت‌ها و روش‌هایی که منجر به مفهومی‌سازی و فهم برنامه درسی می‌شود. برخی از فعالیت و اعمال مطرح در این بعد معرفتی عبارتند از: طرح

۱. Curriculum domains

۲. Behar

مفروضات و فرضیات علمی در برخورد با پدیده های مرتبط با برنامه درسی، بهره گیری از پژوهش های نظام مند به منظور حل مسائل برنامه درسی، تاکید بر پژوهش و تحقیق در مواجهه با مسائل برنامه درسی، دستیابی به بینش های جدید درباره مسائل برنامه درسی با اتکا به پژوهش و تحقیق و طرح پرسش های جدید در ارتباط با مسائل برنامه درسی بر اساس رویه های علمی و پژوهشی و

تاریخ برنامه درسی: مجموعه فعالیت ها و فرایندهایی که به توصیف، تحلیل و تفسیر اقدامات و اندیشه های گذشته برنامه درسی می پردازد. برخی از فعالیت و اعمال مطرح در این بعد معرفتی عبارتند از: توصیف و توجه به اندیشه ها و اقدامات گذشته مرتبط با برنامه درسی، تحلیل و تفسیر فعالیت ها و اقدامات انجام شده گذشته در رابطه با برنامه درسی، شرح و ثبت وقایع و رویدادهای مهم برنامه درسی بر اساس ترتیب زمانی، تحلیل برنامه های درسی پیشین در جنبه های مختلف طراحی، تدوین، مدیریت برنامه درسی و

نظریه برنامه درسی: مجموعه ای از گزاره های منسجم و متصل به هم که به پدیده های مرتبط به برنامه درسی معنا می بخشند. برخی از فعالیت و اعمال مطرح در این بعد معرفتی عبارتند از: تدوین سند و بیانیه هایی به منظور توجیه و منطقی جلوه دادن (معنابخشی به) برنامه های درسی، بهره گیری از فنون علمی و منطقی به منظور ارائه دیدگاهی سیستماتیک از پدیده های برنامه درسی، پرداختن به دانش سازمان یافته حوزه برنامه درسی و رفتار کردن براساس آن، استفاده از نظریه های برنامه درسی، بررسی چگونگی یادگیری فراگیران براساس نظریه های علمی و تعیین، انتخاب نظریه برنامه درسی و

ارزشیابی برنامه درسی: فرایند گردآوری، تفسیر و قضاوت روش مند درباره داده ها و اطلاعات مرتبط با برنامه درسی به منظور بهبود وضعیت موجود است. برخی از فعالیت و اعمال مطرح در این بعد معرفتی عبارتند از: تعیین میزان و کیفیت تغییرات ایجاد شده در فراگیران و سازمان در نتیجه بکارگیری برنامه های درسی جدید، تدوین و گردآوری اطلاعات درباره اثربخشی برنامه های درسی، تعیین میزان انطباق اقدامات انجام شده با نتایج مورد انتظار برنامه درسی، ارائه و تدوین پیشنهادات لازم برای اصلاح برنامه های درسی، ارزیابی فاصله بین اهداف از پیش تعیین شده برنامه درسی با نتایج بدست آمده، قضاوت درباره ارزشمندی روش ها و مواد آموزشی، اصلاح و بهبود طرح های برنامه درسی، ارزشیابی میزان اثربخشی محتوای برنامه

تحلیلی بر میزان اهمیت و به‌کارگیری دستاوردهای علمی...

درسی، تدوین ملاک‌ها و معیارهای اندازه‌گیری موفقیت برنامه‌های درسی، تعیین نقاط قوت و ضعف محتوا و فرایندهای برنامه درسی و

طراحی برنامه درسی: مجموعه فعالیت‌هایی که منجر به تعیین مبانی ارزشی یا انتخاب منابع اطلاعاتی (دانش‌آموز، جامعه و دانش سازمان یافته) و همچنین ساختاربخشی مناسب به مولفه‌ها و عناصر برنامه درسی می‌گردد (کلاین، ۱۹۸۵ / مهرمحمدی، ۱۳۸۱: ۱۹۳). برخی از فعالیت و اعمال مطرح در این بعد معرفتی عبارتند از: تلاش برای تعیین موضوعات اساسی درسی مورد نیاز دوره‌های آموزشی، هدایت برنامه‌های درسی به سمت نیازهای فراگیران و سازمان براساس قواعد علمی، انتخاب موضوعات اساسی آموزشی و تجارب یادگیری بر اساس قواعد علمی، تمرکز بر موضوعات اساسی درسی در طراحی برنامه‌های درسی و آموزشی، استفاده از الگوهای تلفیق در سازماندهی محتوا، توجه به سازگاری درونی (همخوانی و ساختارمندی) بین مولفه‌های برنامه درسی (از قبیل؛ هدف، محتوا، روش‌های تدریس و ...)، تعیین راهبردهای آموزشی مطلوب در طراحی برنامه‌های درسی، تاکید بر توالی و نظم تجارب یادگیری در طراحی برنامه درسی و

سیاست‌گذاری برنامه درسی: سیاست‌گذاری برنامه درسی تعیین قواعد، محدوده‌ها و معیارهای کلانی است که با توسل به آنها می‌توان میزان و میدان عمل و مانور برنامه‌های درسی و برنامه‌ریزان درسی را تعیین کرد (بهار، ۱۹۹۴: ۱۰). برخی از فعالیت و اعمال مطرح در این بعد معرفتی عبارتند از: توجه و تاثیرگذاری بر کنترل برنامه درسی، تدوین تجارب یادگیری مورد نیاز در برنامه درسی بر اساس رهنمودهای کلی سازمان (نظیر برنامه استراتژیک سازمان)، توجه به رهنمودهای کلی سازمان در بیان آنچه که باید در دوره‌ها تدریس شود، ارتباط با سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی ملی و استانی مرتبط، تعهد به غایبات آموزشی و سازمانی و

اجرای برنامه درسی: این بعد به استفاده و بکارگیری برنامه درسی تدوین شده در عمل اشاره دارد. برخی از فعالیت و اعمال مطرح در این بعد معرفتی عبارتند از: اجرای نوآوری‌ها در برنامه درسی، اجرای برنامه‌های درسی تدوین شده بر اساس قواعد علمی، تحلیل و بررسی نیروهای حمایت‌کننده و بازدارنده در اجرای برنامه درسی، تلاش در جهت ارتقای اجرای برنامه درسی تدوین شده، تحلیل و بررسی چگونگی اجرای برنامه‌های درسی تدوین شده

توسط مربیان و استادان، تحلیل و بررسی نیروها، افراد و گروه‌های موثر در اجرای برنامه‌های درسی و

شرکت‌های صنعتی در جوامع امروزی و به تبع آن استفاده از آموزش برای توسعه و بهبود نیروی انسانی مراکز صنعتی در حال رشد و گسترش است. برای مثال، در شهرستان مشهد بر طبق آمار سازمان صنایع و معادن استان خراسان رضوی، ۳۶۰۵ شرکت صنعتی تولیدی اسمی در مقیاس کوچک، متوسط و بزرگ دارای پروانه قانونی ثبت شده از سوی مراکز ذیصلاح قانونی تا اواخر سال ۱۳۸۸ مشغول فعالیت است. و در هر کدام از این شرکت‌ها حداقل فردی مسئول آموزش است. تامل درباره مسائل آموزشی این شرکت‌ها را از جنبه‌های مختلفی می‌توان مورد توجه قرار گیرد؛ از جمله این‌که آیا آموزش‌ها و دوره‌های برگزار شده از رضایت کارکنان برخوردار است؟ آیا آموزش‌های ارائه شده از اثربخشی لازم برخوردار است؟ و سوالات متعدد دیگر. اما مسئله اصلی که این پژوهش بر اساس آن شکل گرفته، این است که وضعیت دانش حوزه برنامه درسی در نظام آموزشی این شرکت‌های صنعت از حیث اهمیت و بکارگیری آن‌ها چگونه است و آیا بین میزان اهمیت و بکارگیری آن فاصله و اختلاف معناداری وجود دارد یا نه؟

سوابق و پیشینه پژوهش

وارندر^۱ (۱۹۸۹) در پژوهش خود با استفاده از تکنیک دلفی^۲ به پیش‌بینی ویژگی‌های صنعت در سال ۲۰۰۰ و تبیین دلالت‌های آن برای برنامه‌ریزی درسی در آموزش‌های کشاورزی پرداخت. نتایج نشان داد که الف) تکنیک دلفی شیوه کارآمدی برای ایجاد اجماع میان خبرگان صنعت است. ب) هیچ اختلاف معناداری میان نگرش خبرگان صنعتی در مناطق مختلف جغرافیایی نسبت به ویژگی‌های صنعت وجود ندارد و نهایتاً این‌که، بخش صنعت احتمالاً در آینده با تغییرات عظیمی مواجه خواهد شد و تقاضا برای آموزش و به تبع نیاز به برنامه‌ریزی درسی موثر در بخش صنعت بیشتر و بیشتر خواهد شد.

۱. Varnadore

۲. Delphi technique

تحلیلی بر میزان اهمیت و به‌کارگیری دستاوردهای علمی...

وجسلاو^۱ (۱۹۹۱) در پژوهشی کیفی، به بررسی و ارزیابی میزان انطباق برنامه‌های درسی دانشگاهی با نیازهای سازمان‌ها و شرکت‌های صنعتی که در بخش صنعت الکترونیک فعالیت می‌کنند، پرداخت. یافته‌ها نشان داد که هویت و ماهیت فعالیت‌های شرکت‌های صنعتی امری پیچیده و میان‌رشته‌ای است که حوزه‌های مختلف علمی (نظیر اقتصاد، مهندسی، علوم اجتماعی و) را شامل می‌شود. و نیز همسویی کمی میان برنامه‌های درسی دانشگاهی با نیازهای آموزشی شرکت‌های صنعتی وجود دارد.

بلیر^۲ (۱۹۹۴) نیز در پایان‌نامه دکتری خود با مطالعه توصیفی-پیمایشی به ارزیابی و مطالعه میزان انطباق برنامه‌های درسی ریاضیات با نیازهای شرکت‌های صنعتی دارای حجم و اندازه متوسط پرداخت. هدف این مطالعه تعیین مهارت‌های ریاضی مورد نیاز برای کارکنان به منظور انجام موفقیت آمیز وظایف شغلی‌شان بوده است. یافته‌ها نشان داد که برنامه درسی ریاضیات که عمدتاً با همکاری مراکز دانشگاهی و خبرگان دانش صنعتی و با توجه به نیازهای شرکت‌های صنعتی تولید و تدوین می‌شوند، اثربخشی بیشتری دارند و کارکنان شرکت‌های صنعتی را توانمند تر و پاسخگو تر می‌سازند.

حسین حق پناه (۱۳۷۶) در پژوهشی به بررسی اهمیت و نقش آموزش در مراکز صنعتی و تولیدی پرداخت. وی معتقد است که موضوع و مسأله آموزش مهم‌ترین نقش و جایگاه را در مراکز صنعتی امروز بر عهده دارد که سایر ابعاد نظیر بعد اقتصادی را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. از این‌رو، به منظور کسب توسعه و پیشرفت در مراکز صنعتی دو مقصود اساسی را باید مدنظر قرار داد، نخست؛ اشاعه و گسترش آموزش و توجه به آن به طور مستمر، و دیگری باور و ایمان به استعدادها و موجودی‌های جامعه خویش و پرهیز از خود باختگی به غیر و مجهز شدن به اسباب و ابزارهای مدرن جهت توسعه همه جانبه.

برونر^۳ (۲۰۰۱) در پژوهشی به بررسی میزان کاربرد ابعاد برنامه درسی توسط مدیران و معلمان مدارس در تصمیم‌گیری‌های آموزشی پرداخت. هدف این مطالعه توصیفی پیمایشی، بررسی میزان و سطح انطباق باورها و اعتقادات مدیران و معلمان مدارس درباره اهمیت ابعاد برنامه درسی در تصمیم‌گیری‌های آموزشی بود. این پژوهش از وجه موضوع مورد بررسی، یعنی

۱. Charles Wojslaw

۲. Blair

۳. Brunner

بررسی اهمیت ابعاد برنامه درسی با تحقیق حاضر مشترک است. او نشان داد که همبستگی قوی بین دیدگاه معلمان و مدیران نسبت به اهمیت ابعاد برنامه درسی در تصمیم‌گیری‌های آموزشی وجود دارد. برونر نتیجه می‌گیرد که باورهای معلمان و مدیران در خصوص اهمیت اقدامات برنامه درسی بیشتر در توجه به اقدامات عینی و عملیاتی برنامه درسی است که مبین فهم از برنامه درسی به عنوان دانش کمی و عملیاتی است. که آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های آموزشی انجام می‌دهند. تفاوت این دیدگاه با متخصصان و صاحب‌نظران برنامه درسی دانشگاهی همان چیزی است که ما آن را فاصله میان نظریه و عمل می‌نامیم.

ناهید نادری (۱۳۸۵) در پژوهش خود تحت عنوان "بررسی میزان رضایتمندی داروسازان شاغل در داروخانه و صنعت از نظام آموزشی دانشگاهی کشور" به این نتیجه رسید که، الف) ۷۵ درصد داروسازان معتقدند که بیش از نیمی از واحدهای درسی و برنامه‌های درسی که در دانشگاه گذرانده‌اند، در شغل فعلی آنان کاربرد ندارد. ب) ۸۱ درصد معتقد بودند که نظام دانشگاهی در ارائه دانش پایه و تئوریک خوب و بسیار خوب عمل می‌کند و تنها ۱۷ درصد نقش نظام دانشگاهی را در آموزش مهارت‌های عملی و حرفه‌ای خوب و بسیار خوب ارزیابی کردند.

ذبیحی (۱۳۸۵) در پژوهشی به بررسی نیازهای آموزشی مدیران صنایع استان خراسان رضوی پرداخت. برخی یافته‌های پژوهش وی نشان داد که مدیران عالی‌ترین نیاز خود را توانایی برقراری ارتباطات، توانایی تجزیه و تحلیل بالا، توانایی انضباط شخصی، درک ابعاد مشکل، آشنایی با مدیریت بحران و برنامه ریزی استراتژیک می‌دانند که این امر نشان دهنده توجه مدیران عالی به مهارت‌های نظری و ادراکی می‌باشد. همچنین مدیران عملیاتی بیشترین نیاز خود را بر حوزه مسائل اجرایی معطوف کرده و خواستار بازپروری مهارت‌های خود در حوزه‌های فنی، انسانی و ادراکی هستند. در نهایت، مدیران تحقیق و توسعه مهم‌ترین نیازهای خود را در زمینه‌های انضباط شخصی، آشنایی با روش پژوهش، توانایی تحلیل مسائل و داشتن روحیه گروهی، و مدیران مالی مهم‌ترین آن‌ها را آشنایی با مسائل مالی، و روش‌های حسابداری، انضباط شخصی و توانایی کنترل و نظارت بر بخش مالی بیان نموده‌اند.

تحلیلی بر میزان اهمیت و به کارگیری دستاوردهای علمی...

کرمی (۱۳۸۶) در رساله دکتری خود با استفاده از روش شبه آزمایشی به طراحی الگوی مناسب آموزش صنعتی حین خدمت بر اساس رویکرد سازنده‌گرایی و سیستمی و سنجش اثربخشی آن‌ها در دو گروه مدیران و کارگران شرکت ایران خودر خراسان پرداخت. در طراحی هر یک از دوره‌ها از برنامه آموزشی چندرسانه‌ای به عنوان رسانه آموزشی استفاده گردید و برای مقایسه اثربخشی الگوهای طراحی آموزشی از مدل کرک پاتریک استفاده شد. نتایج پژوهشی حاکی از آن است که: مدیران در گروه سازنده‌گرایی نسبت به میران گروه سیستمی رضایت بیشتری از این آموزش‌ها برخوردارند و نگرش مثبت‌تری نسبت به دوره دارند. در نتیجه رویکرد سازنده‌گرایی برای آموزش مدیران مناسب است. در سطح کارگران، فراگیران گروه سیستمی از رضایت بیشتری نسبت به گروه سازنده‌گرایی برخوردار بوده‌اند؛ اما در نگرش نتیجه عکس این بود. نهایتاً مشخص گردید طراحی آموزشی با رویکرد سیستمی برای کارگران مناسب است. در زمینه اثربخشی میان یادگیری مدیران گروه‌های سیستمی و سازنده‌گرایی تفاوت معناداری مشاهده نگردید، اما در متغیر رفتار مدیران، گروه سازنده‌گرایی بهتر عمل نمود. نتیجه این‌که رویکرد سازنده‌گرایی برای آموزش مدیران اثربخش‌تر بود. در سطح کارگری نیز فراگیران گروه سیستمی در هر دو متغیر نتایج بهتری را نسبت به گروه سازنده‌گرایی کسب نمودند و مشخص گردید رویکرد سیستمی برای طراحی دوره‌های آموزشی سطح کارگری اثربخش‌تر است.

گرچه پژوهش‌های مختلف درباره مباحث عمومی آموزش و صنعت از فراوانی نسبتاً خوبی به ویژه در خارج از کشور برخوردارند؛ اما در ارتباط با مباحث تخصصی برنامه درسی در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی، به‌ویژه در داخل کشور به ندرت می‌توان به پژوهشی دست یافت. با بررسی منابع داخلی و خارجی در قالب طرح پژوهشی و پایان‌نامه، هیچ‌گونه پژوهشی که مستقیماً به مساله پژوهشی حاضر و سوالات مربوط به آن پاسخ داده باشد، به‌دست نیامد. اغلب پژوهش‌های انجام شده حاکی از آن است که تمامی آن‌ها غیرمستقیم و در ارتباط با سایر مسائل برنامه درسی، نظیر میزان انطباق برنامه درسی دانشگاهی با نیازهای آموزشی شرکت‌های صنعتی و موارد مشابه دیگر بوده‌اند. گرچه خود این مساله می‌تواند موضوعی جدی برای پژوهش یا پژوهش‌های مستقلی باشد؛ اما به‌نظر می‌رسد که حوزه برنامه درسی نتوانسته

ورود جدی و معناداری به پژوهش‌های مرتبط با مسائل نظام‌های آموزشی بخش صنعت داشته باشد و خود این مشکل و مساله، پژوهش‌های عمیق‌تری را می‌طلبد.

اهداف و سوالات تحقیق

هدف اصلی پژوهش بررسی میزان اهمیت و استفاده از دستاوردهای علمی حوزه برنامه درسی در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی شهرستان مشهد و ارائه پیشنهادهایی برای افزایش میزان به‌کارگیری دانش حوزه برنامه درسی در نظام‌های آموزشی این بخش براساس نتایج تحقیق است. به منظور تحقق هدف کلی یاد شده، سوالات پژوهشی زیر مطرح می‌شوند:

۱- کدام یک از ابعاد معرفتی حوزه برنامه درسی از بیش‌ترین اهمیت در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی مورد بررسی برخوردار است؟ و ارزیابی از وضعیت حاضر آن‌ها در این زمینه چگونه است؟

۲- کدام یک از ابعاد معرفتی دانش برنامه درسی بیش‌ترین میزان به‌کارگیری را در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی مورد بررسی دارد؟ و ارزیابی از وضعیت حاضر در خصوص میزان به‌کارگیری دانش برنامه درسی در آن‌ها چگونه است؟

۳- آیا بین میزان اهمیت و به‌کارگیری هر یک از ابعاد معرفتی حوزه برنامه درسی در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی مورد بررسی تفاوت معناداری وجود دارد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر به بررسی و توصیف چگونگی وضع موجود پرداخته است، و روش پژوهش، توصیفی و از نوع پیمایشی است. در این تحقیق جامعه آماری مورد نظر تمامی مدیران و یا کارشناسان خبره مراکز آموزشی شرکت‌های صنعتی بزرگ واقع در شهرستان مشهد می‌باشند. بنا به اطلاعات اخذ شده از سازمان صنایع و معادن استان خراسان رضوی، در حدود ۳۶۰۵ واحد یا شرکت صنعتی تولیدی اسمی در شهرستان مشهد تا اواخر سال ۱۳۸۸ مشغول فعالیت هستند که دارای پروانه قانونی ثبت شده از سوی سازمان صنایع و معادن استان خراسان می‌باشند. از این تعداد، در حدود ۳۱۸۷ شرکت در مقیاس واحدهای صنعتی کوچک (با حداکثر ۵۰ نفر نیروی انسانی)، حدود ۳۰۰ شرکت در مقیاس واحدهای صنعتی متوسط (از ۵۱ تا ۱۸۰ نفر نیروی

تحلیلی بر میزان اهمیت و به‌کارگیری دستاوردهای علمی...

انسانی) و حدود ۱۱۸ شرکت در مقیاس واحدهای صنعتی بزرگ (بالای ۱۸۰ نفر نیروی انسانی) هستند. از طرف دیگر، چون برخی از شرکت‌های صنعتی بزرگ دارای مرکز یا واحد مستقل آموزشی نبودند، عملاً نمی‌توانستند در این تحقیق مورد بررسی قرار بگیرند.^۱ منظور از مرکز آموزشی مستقل در شرکت‌های صنعتی این است که آن شرکت صنعتی دارای واحد آموزشی مستقل بوده و حداقل دارای یک مدیر آموزشی و ۲ کارشناس مربوط به آموزش باشد.

لذا جامعه آماری، مشمول آن دسته از شرکت‌های صنعتی بزرگ شده است که دارای واحد آموزش مستقل با حداقل یک مدیر آموزشی و دو کارشناس باشند. براساس این تعریف، از میان ۱۱۸ شرکت صنعتی بزرگ با توجه به پیگیری و بررسی‌های به عمل آمده، در حدود ۴۹ شرکت صنعتی بزرگ در شهرستان مشهد دارای واحد مستقل آموزشی بود. از آن‌جایی که تعداد جامعه مورد بررسی محدود بوده، این پژوهش نمونه‌گیری نداشته و به شیوه سرشماری انجام پذیرفته است. همچنین به منظور اعتباریابی سوال نخست پژوهش (کدامیک از ابعاد معرفتی حوزه برنامه درسی از بیش‌ترین اهمیت در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی مورد بررسی برخوردار است؟) دیدگاه پنج نفر از متخصصان و اساتید رشته برنامه درسی با مدرک دکتری مورد بررسی قرار گرفت.

در پژوهش حاضر از دو ابزار پرسش‌نامه (اصلی) و مصاحبه (تکمیلی) استفاده گردید. برای مطالعه میزان اهمیت و به‌کارگیری دستاوردهای علمی حوزه برنامه درسی در قالب ابعاد معرفتی نه‌گانه قلمرو برنامه درسی از پرسش‌نامه مارک برونر (۲۰۰۱) استفاده گردید. علاوه بر پرسش‌نامه (ابزار اصلی تحقیق)، از مصاحبه (ابزار تکمیلی)، نیز به دو منظور استفاده گردید:

نخست برای سنجش میزان اهمیت هر یک از ابعاد معرفتی حوزه برنامه درسی و اعتباریابی یافته سوال اول پژوهش، مصاحبه‌ای ساختارمند با پنج نفر از متخصصان و اساتید رشته برنامه درسی با مدرک دکتری انجام پذیرفت. برای انجام مصاحبه، ابتدا چک لیستی مشتمل بر تعریف ابعاد معرفتی نه‌گانه برنامه درسی و طرح فعالیت‌ها و اقدامات مطرح به تفکیک ابعاد نه‌گانه طراحی گردید. با توضیح هدف و فرایندهای صورت پذیرفته پژوهش حاضر، از آنان طی فرایند گفتگویی خواسته شد تا میزان اهمیت هر یک از ابعاد معرفتی حوزه برنامه درسی را در نظام‌های

۱. در تمامی شرکت‌های کوچک و متوسط و برخی از شرکت‌های بزرگ، تنها یک فرد مسئول مسائل آموزشی شرکت می‌باشد که البته در کنار آن، فعالیت و مسولیت مستقل دیگری را نیز در شرکت برعهده دارد.

آموزشی شرکت‌های صنعتی شهرستان مشهد مشخص نمایند. دوم؛ از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به منظور بسط و تبیین یافته‌های سوالات سه‌گانه پژوهش استفاده گردید. این مصاحبه با برخی از مدیران آموزشی شرکت‌های صنعتی و مسئولین دیگر نظیر مدیر آموزش سازمان صنایع و معادن استان خراسان رضوی انجام گردید.

به منظور بررسی روایی^۱ پرسش‌نامه، از نظرات پنج تن از اساتید رشته برنامه درسی با مدرک دکتری استفاده شد که برخی از این صاحب‌نظران، سابقه همکاری آموزشی- پژوهشی با بخش آموزش شرکت‌های صنعتی را نیز دارا بودند. پس از بررسی نظرات این اساتید برخی گویه تصحیح و برخی دیگر ساده‌سازی شد و یا این‌که در موارد اندکی برخی از گویه‌های پرسش‌نامه اصلی به دو گویه تقسیم گردید.

برای تعیین میزان پایایی^۲ و همسانی درونی گویه‌های پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. میزان پایایی هریک از مولفه‌های پرسش‌نامه

ضریب پایایی میزان- کارگیری ابعاد برنامه درسی	ضریب پایایی میزان اهمیت ابعاد حوزه برنامه درسی	تعداد سئوالات در پرسش‌نامه	ابعاد معرفتی ضریب پایایی
۰/۸۸۳	۰/۹۴۵	۹	طراحی برنامه درسی
۰/۷۸۱	۰/۸۹۲	۷	فلسفه برنامه درسی
۰/۸۸۵	۰/۹۶۶	۱۴	ارزش‌یابی برنامه درسی
۰/۹۱۵	۰/۹۵۳	۸	نظریه برنامه درسی
۰/۷۳۳	۰/۸۷۱	۵	سیاست‌گذاری برنامه درسی
۰/۸۳۷	۰/۹۲۸	۵	تاریخ برنامه درسی
۰/۸۸۳	۰/۹۴۵	۶	اجرای برنامه درسی
۰/۸۱۴	۰/۹۱۷	۶	پژوهش برنامه درسی
۰/۸۱۴	۰/۹۱۶	۸	برنامه‌ریزی درسی

۱. Validity
۲. Reliability

تحلیلی بر میزان اهمیت و به‌کارگیری دستاوردهای علمی...

در مجموع از یافته‌های جدول می‌توان استنباط کرد که پرسش‌نامه از پایایی و همسانی درونی بالایی برخوردار است.

این پرسش‌نامه از ۶۸ گویه بر اساس طیف شش درجه‌ای تشکیل شده است. ابعاد مورد بررسی در این پرسش‌نامه عبارتند از: طراحی برنامه درسی، ارزش‌یابی برنامه درسی، سیاست-گذاری برنامه درسی، نظریه برنامه درسی، تاریخ برنامه درسی، اجرای برنامه درسی، فلسفه برنامه درسی، پژوهش برنامه درسی و برنامه ریزی درسی. در این پرسش‌نامه درباره این ابعاد نه‌گانه معرفتی حوزه برنامه درسی، دو فعالیت از آزمودنی خواسته می‌شود که انجام دهد. در یک بخش خواسته شده که نظرشان را درباره میزان اهمیت هر یک از فعالیت‌ها و اقدامات ۶۸ گانه در نظام آموزشی شرکت‌های صنعتی بیان کند و در بخش دیگر پرسش‌نامه نیز خواسته شده است که نظرشان را درباره میزان به‌کارگیری هر یک از فعالیت‌های ۶۸ گانه علمی و عملی حوزه برنامه درسی در نظام آموزشی شرکت صنعتی خودشان را مشخص نماید.

در راستای اجرای هرچه بهتر پرسش‌نامه‌های تحقیق، دو اقدام مهم صورت پذیرفت؛ نخست آن‌که، قبل از اجرا تلاش گردید تا حد ممکن گویه‌های ابزار عینی و ساده‌سازی گردد. در این راستا، با برگزاری جلسات متعددی با سه نفر از مدیران آموزشی با تجربه شرکت‌های صنعتی شهرستان مشهد به صورت جداگانه، نسبت به ساده‌سازی، عینی‌تر ساختن و قابل فهم‌تر کردن گویه‌ها اقدام گردید و در نهایت مورد تایید افراد مزبور قرار گرفت. از سویی دیگر، در هنگام اجرای پرسش‌نامه با برگزاری جلسات متعدد با افراد مختلف هدف در قالب گروه‌های مختلف، نسبت به توضیح ابزار و گویه‌های آن اقدام گردید. علاوه بر آن، با بهره‌گیری از کارشناسان متخصص و مرتبط با حوزه برنامه درسی^۱ در اجرای پرسش‌نامه‌ها، تلاش گردید تا در صورت بروز سوال یا ابهام از سوی آزمودنی‌ها، افراد یادشده توضیحات لازم را در این خصوص ارائه نمایند.

بعد از اجرای پرسش‌نامه‌ها، جمع‌آوری داده‌ها و وارد نمودن آن‌ها در کامپیوتر، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام گرفت. روش‌های آماری به کار گرفته شده در این تحقیق برای تحلیل سوال اول و دوم پژوهش از آمار توصیفی و برای تحلیل داده‌های مربوط به سوال سوم پژوهش آزمون t استیوننت گروه‌های همبسته است.

۱. لازم به ذکر است که تقریباً اجرای یک سوم پرسش‌نامه توسط خود نویسنده انجام پذیرفته است.

یافته های پژوهش

همان طور که در بخش مربوط به جامعه آماری ذکر گردید، آزمودنی‌ها در این پژوهش شامل مدیران و یا کارشناسان خبره مراکز آموزشی شرکت‌های صنعتی مشهد می‌باشد. قبل از ارائه نتایج پژوهش اطلاعات جمعیت شناختی آنان به منظور شناخت بهتر این گروه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین منظور، در این قسمت اطلاعاتی مربوط به سن، جنسیت، مدرک تحصیلی، پست سازمانی، میزان سابقه در پست سازمانی مذکور، میزان شرکت در دوره‌های آموزشی مرتبط با برنامه درسی آزمودنی‌ها ارائه می‌گردد.

جدول ۲. اطلاعات جمعیت شناختی پاسخ دهندگان

مغز	سن	جنس	پست سازمانی		سابقه خدمت در پست سازمانی (به سال)				مدرک تحصیلی	شرکت در دوره‌های آموزشی مرتبط با برنامه درسی	
			مدیر آموزشی	کارشناس آموزشی	۱-۲	۳-۵	۶-۱۰	۱۱-۱۵		کارشناسی ارشد	کارشناسی
تعداد	۲۰	۱۲	۲۱	۱۰	۸	۵	۶	۹	۲۳	۷	۲۱
درصد	۶۲٪	۳۷٪	۶۷٪	۳۳٪	۵۸٪	۱۸٪	۲۱٪	۳۲٪	۷۶٪	۲۳٪	۶۷/۷۴٪

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می‌گردد، در کل شرکت‌های صنعتی مورد بررسی، ۲۰ نفر از مسئولین و مدیران آموزشی را مردان و ۱۲ نفر را زنان تشکیل می‌دهند و از تعداد کل افراد شاغل در شرکت‌های مطالعه شده، ۲۱ نفر مدیر مرکز آموزشی و ۱۰ نفر نیز کارشناس آموزشی بوده‌اند. همچنین در نظام‌های آموزشی مورد مطالعه، سابقه خدمتی مدیران و کارشناسان آموزش، در طبقات مختلف، تقریباً به طور یکسان توزیع شده‌اند. از نظر تحصیلات ۲۳ نفر (۶۷/۶۷ درصد) دارای مدرک کارشناسی و ۷ نفر (۲۳/۳۳ درصد) دارای مدرک کارشناسی ارشد هستند. اما از حیث رشته تحصیلی^۱، مدیران و کارشناسان خبره آموزشی شرکت‌های صنعتی در وضعیت

۱. به علت پراکندگی زیاد، رشته های تحصیلی در جدول ذکر نگردیده است.

تحلیلی بر میزان اهمیت و به‌کارگیری دستاوردهای علمی...

مناسبی نیستند؛ به نحوی که تنها ۲ نفر دارای مدرک کارشناسی علوم تربیتی (گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی) می‌باشد و مابقی در رشته‌های مدیریت اجرایی (۳ نفر)، مدیریت امور فرهنگی، مدیریت صنعتی، علوم ارتباطات، شیمی محض (۳ نفر)، جغرافیا، آمار، نرم افزار کامپیوتر، روان‌شناسی، زبان و ادبیات فارسی، تولیدات گیاهی، آموزش بهداشت، مهندسی مکانیک و ... می‌باشند. نکته مهم آن است که ۲۱ نفر از آنان اعلام کردند که هیچ دوره آموزشی را در خصوص برنامه درسی و آموزشی تجربه نکرده‌اند و تنها ۱۰ نفر از آنان اعلام کردند که در برخی از دوره‌های آموزشی مرتبط با برنامه درسی و آموزشی شرکت کرده‌اند. در ادامه به یافته‌های مربوط به سوالات پژوهش می‌پردازیم:

سوال اول پژوهش: کدام یک از ابعاد معرفتی حوزه برنامه درسی از بیش‌ترین اهمیت در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی مورد بررسی برخوردار است؟ و ارزیابی از وضعیت حاضر آن‌ها در این زمینه چگونه است؟

همان‌طور که قبلاً اشاره گردید؛ تعداد سوالات یا گویه‌های مربوط به هر یک از ابعاد معرفتی حوزه برنامه درسی متغیر بوده است (مراجعه کنید به جدول ۱) و لذا برای مقایسه میانگین‌های مربوط به میزان اهمیت هر یک از ابعاد حوزه برنامه درسی، به منظور پاسخ به قسمت اول سوال نخست، ابتدا میانگین نمرات کل افراد پاسخ دهنده به سوالات مرتبط با هر بعد معرفتی محاسبه و سپس بر تعداد سوالات آن بعد معرفتی تقسیم گردید که میانگین و سپس رتبه اهمیت هر یک از ابعاد حوزه برنامه درسی را در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی مورد بررسی بدست آمد (جدول ۳).

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، از منظر مدیران آموزش، بعد ارزش‌یابی برنامه درسی با میانگین ۴/۹۰ دارای بیش‌ترین اهمیت و پس از آن سیاست‌گذاری برنامه درسی با میانگین ۴/۸۵ در رتبه دوم اهمیت قرار دارد. سه بعد برنامه‌ریزی درسی، طراحی برنامه درسی و اجرای برنامه درسی با میانگین تقریبی ۴/۷۰ از نظر اهمیت پس از ارزشیابی و سیاست‌گذاری برنامه درسی قرار گرفته‌اند و در نهایت، ابعاد فلسفه برنامه درسی، نظریه برنامه درسی، پژوهش

برنامه درسی و تاریخ برنامه درسی در رتبه‌های پایانی از حیث اهمیت در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی قرار گرفته اند.^۱

جدول ۳. میزان و رتبه اهمیت ابعاد معرفتی برنامه درسی در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی از نظر پاسخ‌گویان

رتبه اهمیت	میانگین	میزان اهمیت مولفه‌ها
اول	۴/۹۰	ارزش‌یابی برنامه درسی
دوم	۴/۸۵	سیاست‌گذاری برنامه درسی
سوم	۴/۷۲	برنامه‌ریزی درسی
چهارم	۴/۷۱	طراحی برنامه درسی
پنجم	۴/۶۹	اجرای برنامه درسی
ششم	۴/۴۳	فلسفه برنامه درسی
هفتم	۴/۴۰	نظریه برنامه درسی
هشتم	۴/۳۴	پژوهش برنامه درسی
نهم	۴/۱۹	تاریخ برنامه درسی

همچنین یافته‌های حاصل از مصاحبه سازمان یافته با متخصصان و اساتید حوزه برنامه درسی، حاکی از تایید کلی یافته‌های فوق است. به‌نحوی که ارزشیابی برنامه درسی صدر اهمیت و برای تاریخ برنامه درسی کمترین اهمیت را قائل بوده‌اند. در میان سایر ابعاد، ابعاد کاربردی حوزه برنامه درسی به ترتیب؛ برنامه‌ریزی درسی، طراحی، اجرا و سیاست‌گذاری برنامه درسی از اهمیت بالاتر و پژوهش برنامه درسی از اهمیت متوسط، و ابعاد نظری حوزه برنامه درسی به ترتیب؛ فلسفه برنامه درسی، نظریه برنامه درسی و تاریخ برنامه درسی از اهمیت کمتری برخوردار بوده‌اند. به عبارت دیگر، براساس مصاحبه صورت گرفته با متخصصان برنامه درسی می‌توان ادعان کرد که ابعاد معرفتی نظری برنامه درسی نظیر؛ فلسفه برنامه درسی، نظریه برنامه درسی و تاریخ برنامه درسی اهمیت چندانی برای نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی ندارند و این‌ها مسائلی است که دغدغه و رسالت عمده متخصصان دانشگاهی است.

۱. مجموعه فعالیت‌ها و اعمال مطرح در هر بعد معرفتی حوزه برنامه درسی، به تفصیل در صفحات ۴ تا ۶ مقاله حاضر توضیح داده شده است.

تحلیلی بر میزان اهمیت و به‌کارگیری دستاوردهای علمی...

اما برای پاسخ‌گویی به قسمت دوم سوال نخست پژوهش، پاسخ‌های مدیران و کارشناسان نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی مورد بررسی به ۳ بخش تقسیم گردید: پاسخ‌های مدیران آموزشی در خصوص اهمیت ابعاد دانش برنامه درسی که در پرسش‌نامه در ۶ مقیاس خیلی مهم (۶)، مهم (۵)، تا حدودی مهم (۴)، تا حدودی غیرمهم (۳)، غیرمهم (۲)، کاملاً غیرمهم (۱) بود، به سه طیف با اهمیت کم (۱ تا ۳)، اهمیت متوسط (۴ تا ۵) و اهمیت زیاد (۶ تا ۴/۵۱) تقسیم گردید که نتایج آن در جدول ۴ آمده است:

جدول ۴. ارزیابی میزان اهمیت ابعاد معرفتی برنامه درسی در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی از نظر پاسخ‌گویان

اهمیت زیاد (۴/۵۱ - ۶)	اهمیت متوسط (۴/۵ - ۳/۰۱)	اهمیت کم (۱ - ۳)	ابعاد
	۴/۴۰		نظریه برنامه درسی
	۴/۳۴		پژوهش برنامه درسی
۴/۶۹			اجرای برنامه درسی
	۴/۴۳		فلسفه برنامه درسی
۴/۷۲			برنامه ریزی درسی
۴/۷۲			طراحی برنامه درسی
۴/۹۰			ارزشیابی برنامه درسی
۴/۸۵			سیاست‌گذاری برنامه درسی
	۴/۱۹		تاریخ برنامه درسی

بر طبق جدول فوق، همه قانون‌مندی‌ها، یافته‌ها و اصول موجود در ابعاد برنامه درسی نقش مهمی می‌توانند در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی ایفا نمایند. در این میان ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که نظریه برنامه درسی، فلسفه برنامه درسی، پژوهش و تاریخ برنامه درسی دارای اهمیت میانی و متوسط و سایر ابعاد برنامه درسی نظیر ارزشیابی و سیاست‌گذاری، طراحی برنامه درسی، برنامه‌ریزی درسی و اجرای برنامه درسی از اهمیت بالایی برخوردارند و هیچ‌کدام از ابعاد معرفتی حوزه برنامه درسی از نظر پاسخ‌گویان کم اهمیت نمی‌باشد.

همچنین یافته‌های حاصل از مصاحبه سازمان‌یافته با متخصصان و اساتید رشته برنامه درسی، حاکی از آن است که جنبه‌های کاربردی حوزه برنامه درسی نظیر؛ ارزش‌یابی، برنامه‌ریزی درسی،

طراحی، اجرا و سیاست‌گذاری برنامه درسی از اهمیت زیاد و جنبه‌های نظری حوزه برنامه درسی نظیر؛ فلسفه برنامه درسی، نظریه برنامه درسی و تاریخ برنامه درسی از اهمیت کمی برخوردار بوده‌اند. از این رو، می‌توان اذعان داشت که تا حدود بسیار زیادی نظرات متخصصان و اساتید رشته برنامه درسی، دیدگاه‌های مدیران آموزشی شرکت‌های صنعتی در زمینه اهمیت ابعاد کاربردی نظیر؛ ارزش‌یابی برنامه درسی، برنامه‌ریزی درسی، طراحی، اجرا و سیاست‌گذاری برنامه درسی را مورد تأیید قرار می‌دهد. همچنین هر دو گروه برای پژوهش برنامه درسی اهمیت متوسط را قائل بوده‌اند. اما از منظر متخصصان دانشگاهی، ابعاد معرفتی نظری برنامه درسی نظیر؛ فلسفه برنامه درسی، نظریه برنامه درسی و تاریخ برنامه درسی اهمیت کمی برای نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی دارند و از این جهت میان نظرات مدیران آموزشی شرکت‌های صنعتی (اهمیت متوسط) و متخصصان دانشگاهی (اهمیت کم) مقداری تفاوت وجود دارد.

سوال دوم پژوهش: کدام یک از ابعاد معرفتی دانش برنامه درسی بیش‌ترین میزان به‌کارگیری را در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی مورد بررسی دارد؟ و ارزیابی از وضعیت حاضر در خصوص میزان به‌کارگیری دانش برنامه درسی در آن‌ها چگونه است؟

همانند سوال قبلی برای پاسخ به بخش اول این سوال، ابتدا میانگین نمرات پاسخ‌های کل افراد به سوالات مربوط به هر یک از ابعاد معرفتی حوزه برنامه درسی محاسبه و پس از آن به تعداد کل سوالات مربوط به هر بعد معرفتی تقسیم گردید تا میانگین و رتبه به‌کارگیری هر یک از ابعاد حوزه برنامه درسی را مشخص گردد (جدول ۵).

همانطور که جدول ۵ نشان می‌دهد بعد برنامه‌ریزی درسی با میانگین $3/80$ دارای بیشترین به‌کارگیری و پس از آن ارزشیابی برنامه درسی با میانگین $3/52$ در رتبه دوم به‌کارگیری قرار دارد. پنج بعد اجرای برنامه درسی، سیاست‌گذاری برنامه درسی، پژوهش برنامه درسی، تاریخ برنامه درسی و طراحی برنامه درسی بین میانگین $2/85$ تا $2/56$ در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در نهایت ابعاد فلسفه برنامه درسی و نظریه برنامه درسی از حیث به‌کارگیری در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی مورد بررسی در پایین‌ترین رتبه‌ها قرار دارند.

تحلیلی بر میزان اهمیت و به‌کارگیری دستاوردهای علمی...

جدول ۵. میزان به‌کارگیری ابعاد معرفتی برنامه درسی در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی از نظر پاسخ‌گویان

رتبه به‌کارگیری	میانگین	میزان به‌کارگیری مولفه‌ها
اول	۳/۸۰	برنامه ریزی درسی
دوم	۳/۵۲	ارزشیابی برنامه درسی
سوم	۲/۸۵	اجرای برنامه درسی
چهارم	۲/۷۴	سیاست‌گذاری برنامه درسی
پنجم	۲/۶۶	پژوهش برنامه درسی
ششم	۲/۶۰	تاریخ برنامه درسی
هفتم	۲/۵۶	طراحی برنامه درسی
هشتم	۱/۸۶	فلسفه برنامه درسی
نهم	۱/۷۶	نظریه برنامه درسی

برای پاسخ‌گویی به بخش بعدی سوال دوم پژوهش، یعنی ارزیابی وضعیت حاضر در خصوص میزان به‌کارگیری دانش برنامه درسی در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی مورد بررسی، پاسخ‌های آزمودنی‌ها مثل سوال اول پژوهش به سه بخش تقسیم گردید: پاسخ‌های مدیران آموزشی در خصوص میزان به‌کارگیری دانش برنامه درسی در پرسش-نامه در شش مقیاس خیلی زیاد (۶)، زیاد (۵)، تا حدودی زیاد (۴)، تا حدودی کم (۳)، کم (۲) و خیلی کم (۱) به طیف به‌کارگیری کم (۱ تا ۳)، به‌کارگیری متوسط (۳/۱ تا ۴/۵) و به‌کارگیری زیاد (۴/۵ تا ۶) تقسیم گردید که نتایج آن را در جدول ۶ آمده است:

جدول ۶. ارزیابی از میزان به کارگیری ابعاد معرفتی دانش برنامه

درسی در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی

ابعاد	به کارگیری زیاد (۴/۵۱ - ۶)	به کارگیری متوسط (۴/۵ - ۳/۰۱)	به کارگیری کم (۱ - ۳)
نظریه برنامه درسی			۱/۷۶
پژوهش برنامه درسی			۲/۶۶
فلسفه برنامه درسی			۱/۸۶
اجرای برنامه درسی			۲/۸۵
برنامه ریزی درسی	۳/۸۰		
طراحی برنامه درسی			۲/۵۶
ارزشیابی برنامه درسی	۳/۵۲		
سیاست‌گذاری برنامه درسی			۲/۷۴
تاریخ برنامه درسی			۲/۶۰

یافته‌ها نشان داد که به اکثر ابعاد معرفتی دانش برنامه درسی در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی مورد بررسی در عمل و کاربرد توجه نمی‌شود و اساساً فعالیت‌های نظام‌های آموزشی به صورت تجربی و سلیقه‌ای صورت می‌پذیرد. در این میان ابعاد برنامه‌ریزی درسی و ارزشیابی برنامه درسی از حیث به کارگیری متوسط ارزیابی شدند؛ اما سایر ابعاد نظیر: اجرای برنامه درسی، سیاست‌گذاری برنامه درسی، پژوهش برنامه درسی، تاریخ برنامه درسی، طراحی برنامه درسی، فلسفه برنامه درسی و نظریه برنامه درسی از حیث به کارگیری ضعیف ارزیابی شده‌اند و در هیچ بعدی به کارگیری زیادی نداشته‌اند.

سوال سوم پژوهش: آیا بین میزان اهمیت و به کارگیری هریک از ابعاد معرفتی حوزه برنامه درسی در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی مورد بررسی تفاوت معناداری وجود دارد؟

از آنجایی که در اجرای پرسش‌نامه‌های پژوهش در یک بخش از مدیران و کارشناسان آموزشی خواسته شده است که نظر خود را درباره میزان اهمیت هریک از ابعاد حوزه برنامه درسی در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی بیان کنند و در بخش دیگر از آنان خواسته شد که نظرشان را درباره میزان به کارگیری همان ابعاد در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی خود بیان نمایند (سوال اول و دوم پژوهش). از این رو، برای پاسخ‌گویی به سوال سوم پژوهش از

تحلیلی بر میزان اهمیت و به کارگیری دستاوردهای علمی...

آزمون t استیودنت گروه‌های همبسته استفاده شد. نتایج مقایسه دو به دو میزان اهمیت و میزان به کارگیری به تفکیک ابعاد نه‌گانه معرفتی حوزه برنامه درسی را در جدول ۷ نمایش داده است.

جدول ۷. مقایسه میزان اهمیت و به کارگیری ابعاد معرفتی حوزه برنامه درسی در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی

مؤلفه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	t	df	سطح معنی‌داری
طراحی برنامه درسی	۳۲	۴۲/۴۸۷۲	۶/۷۷۹۳۴	۱/۱۹۸۴۳	۱۵/۱۴۴	۳۱	۰/۰۰۰***
	۳۲	۲۳/۹۹۹۹	۴/۸۲۲۹۸	۰/۸۵۲۵۹			
پژوهش برنامه درسی	۳۲	۲۶/۰۹۰۲	۵/۲۳۰۷۰	۰/۹۹۴۶۷	۹/۳۲۹	۳۱	۰/۰۰۰***
	۳۲	۱۷/۵۹۳۴	۵/۰۱۶۲۱	۰/۸۸۷۶۵			
سیاستگذاری برنامه درسی	۳۲	۲۴/۵۸۲۳	۲/۷۶۶۹۶	۰/۶۰۷۶۷	۱۰/۸۸۴	۳۱	۰/۰۰۰***
	۳۲	۱۵/۵۴۱۷	۳/۶۵۹۷۱	۰/۷۴۶۹۲			
اجرای برنامه درسی	۳۲	۲۸/۴۴۴۴	۴/۱۰۷۵۳	۰/۷۹۰۴۹	۹/۲۹۷	۳۱	۰/۰۰۰***
	۳۲	۱۸/۲۲۲۲	۵/۱۶۸۹۴	۰/۹۹۴۷۶			
تاریخ برنامه درسی	۳۲	۲۰/۶۹۴۴	۴/۴۹۵۵۴	۰/۷۹۴۷۱	۱۰/۰۷۸	۳۱	۰/۰۰۰***
	۳۲	۱۳/۸۶۹۳	۴/۲۴۰۸۷	۰/۴۷۹۷۶			
نظریه برنامه درسی	۳۲	۳۵/۲۴۰۷	۵/۶۷۷۳۶	۱/۱۸۰۴۰	۱۴/۸۰۴	۳۱	۰/۰۰۰***
	۳۲	۱۴/۱۱۹۰	۲/۵۵۸۹۷	۰/۴۵۳۳۷			
ارزشیابی برنامه درسی	۳۲	۶۸/۶۵۶۸	۸/۴۱۸۲۹	۱/۴۸۸۱۶	۱۰/۷۵۹	۳۱	۰/۰۰۰***
	۳۲	۴۲/۲۸۸۹	۴/۱۲۵۴۸	۱/۹۹۰۴۹			
فلسفه برنامه درسی	۳۲	۳۳/۱۲۰۵	۱۱/۲۵۹۹۳	۰/۸۸۳۹۳	۲۵/۴۲۷	۳۱	۰/۰۰۰***
	۳۲	۱۳/۰۴۳۳	۱/۹۷۶۳۸	۰/۳۴۹۳۸			
برنامه ریزی درسی	۳۲	۳۷/۷۶۶۱	۵/۳۹۴۷۱	۰/۹۵۳۶۶	۵/۵۶۸	۳۱	۰/۰۰۰***
	۳۲	۳۰/۴۳۱۹	۸/۷۷۲۲۰	۱/۵۵۰۷۲			

*** $P < ۰/۰۰۱$

با توجه به جدول فوق و با تاکید بر میزان مقادیر t بدست آمده، می‌توان گفت میان میانگین میزان اهمیت و میزان به کارگیری در ابعاد نه‌گانه معرفتی حوزه برنامه درسی تفاوت معناداری (در سطح $\alpha = ۰/۰۰۱$) وجود دارد. بنابراین، با توجه به این‌که میانگین میزان اهمیت بیشتر از

میانگین میزان به‌کارگیری دانش برنامه درسی در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی مورد بررسی است، همواره سطح به‌کارگیری کمتر از میزان اهمیت ادراک شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هرچند در این قسمت مقایسه یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های انجام شده دیگر ضرورت دارد، اما با توجه به این‌که پژوهش مشابه‌ای در این زمینه انجام نشده است، نتایج پژوهش حاضر با برخی از دیدگاه‌های مطرح شده به صورت کلی و با تحقیقاتی که در برخی از موارد و گزینه‌ها شباهت داشته‌اند، مقایسه شده است.

یافته‌های پژوهش نشان داد که عمده ابعاد معرفتی کاربردی دانش برنامه درسی از منظر مدیران آموزشی، از اهمیت بالا و برخی دیگر از ابعاد از اهمیت میانی در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی مورد بررسی برخوردارند، به نحوی که حوزه ارزشیابی برنامه‌های درسی با میانگین ۴/۹۰ دارای بیش‌ترین اهمیت و پس از آن سیاست‌گذاری با میانگین ۴/۸۵ در رتبه دوم اهمیت قرار دارند. سه بعد برنامه‌ریزی درسی، طراحی و اجرای برنامه درسی با میانگین تقریبی ۴/۷۰ از نظر اهمیت پس از ارزش‌یابی و سیاست‌گذاری برنامه درسی قرار گرفته‌اند و در نهایت ابعاد نظریه برنامه درسی، فلسفه برنامه درسی، پژوهش و تاریخ برنامه درسی از اهمیت متوسطی در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی برخوردارند. نتایج این قسمت از پژوهش با یافته‌های استوارت و رزمن^۱ (۲۰۰۱) و پرایس^۲ (۲۰۰۴) و فلیدنر و ماتیسون^۳ (۲۰۰۹) همخوانی دارد. اینان بطور کلی خاطر نشان می‌سازند که کاربست برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر دیدگاه‌های علمی و تخصصی در محیط‌های آموزش صنعتی نتایج مثبت و کارآمدی را به همراه دارد و از این حیث برنامه‌ریزی درسی علمی در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی از اهمیت برخوردار است.

نتایج حاصل از این پژوهش، در خصوص میزان به‌کارگیری ابعاد معرفتی دانش برنامه درسی در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی مورد بررسی بیانگر آن است که عمدتاً میزان به‌کارگیری ابعاد حوزه برنامه درسی بسیار ضعیف است و یافته‌های کلی تحقیق حاکی از آن است

-
1. Stewart and Rosemann
 2. Price
 3. Fliedner and Mathieson

تحلیلی بر میزان اهمیت و به‌کارگیری دستاوردهای علمی...

که اساساً دانش حوزه برنامه درسی در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی شهرستان مشهد موضوعی مغفول است و فعالیت نظام‌های آموزشی مزبور عمدتاً بدون توجه به دستاوردهای علمی برنامه درسی انجام می‌پذیرد. این قسمت از یافته‌های پژوهش، بطور کلی با دیدگاه ابیلی (۱۳۷۷) مطابقت دارد. وی معتقد است که بسیاری از مراکز آموزشی سازمان‌های مختلف من- جمله شرکت‌های صنعتی، به‌جای روش‌های علمی در طراحی دوره‌های آموزشی، از روش‌های سنتی و سلیقه‌ای استفاده می‌کنند. در اکثر شرکت‌های صنعتی، در ساختار رسمی جایی برای فعالیت‌های آموزشی کارکنان پیش‌بینی نشده است و عمدتاً فعالیت‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی به صورت پراکنده، غیرسازمان یافته و غیرعلمی اعمال می‌شود و به‌طور کلی، عملکرد مدیریت آموزش کارکنان بسیار ضعیف است.

مطابق با یافته‌های مربوط به آخرین سوال پژوهش، میان میانگین میزان اهمیت و میزان به- کارگیری در تمامی ابعاد نه‌گانه حوزه برنامه درسی اختلاف معناداری وجود دارد. بنابراین، با توجه به این‌که میانگین میزان اهمیت از میزان به‌کارگیری دانش برنامه درسی در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی بیشتر است، همواره سطح به‌کارگیری کمتر از میزان اهمیت بوده است.

به‌نظر می‌رسد دلایل متعددی در بروز چنین وضعیتی - عدم ارتباط، اتصال و بهره‌گیری نظام- های آموزشی شرکت‌های صنعتی از دانش حوزه برنامه درسی - نقش دارند که آسیب شناسی آن می‌تواند ما را در فهم و درک موقعیت و وضعیت موجود و در نهایت حل آن یاری رساند. این آسیب شناسی از دو جهت کلی حوزه برنامه درسی و متخصصان آن از یک سو، و نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی و دست‌اندرکاران آن از سویی دیگر قابل طرح و بررسی است؛

الف) به‌نظر نویسنده، متخصصان برنامه درسی کشورمان تاکنون نتوانسته‌اند به رسالت‌های نظری و عملی خود را درخصوص برنامه درسی در ابعاد منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی به انجام رسانند. این ادعا از چند جهت قابل تامل و بررسی است که تنها از برخی شواهد و قرائن می- توان به آن رسید. یکی از این شواهد عنوان رسمی این رشته در دانشگاه‌های کشور است. متأسفانه عنوان "برنامه‌ریزی درسی" نام بی‌مسمما و نادقیقی است که حتی تا مقطع دکتری این رشته به این نام نهاده شده است و در هیچ جای دنیا و هیچ مجله تخصصی نمی‌توانیم چنین نامی را برای کل حوزه برنامه درسی پیدا نمائیم و آنچه که هست و باید باشد عنوان "مطالعات

برنامه درسی^۱ است، نه برنامه‌ریزی درسی؛ زیرا برنامه‌ریزی درسی صرفاً یکی از ابعاد معرفتی این رشته است.

از شواهد دیگر، عدم توسعه و گسترش این رشته در ابعاد مختلف نظری- علمی است. با وجود این که امروز رشته برنامه‌ریزی درسی (مطالعات برنامه درسی) در دانشگاه‌های مختلف کشور در عالی‌ترین سطوح تحصیلات تکمیلی دنبال می‌شود، لکن نتوانسته خود را به قلمروها و رشته‌های تخصصی مختلف نظیر نظریه برنامه درسی، ارزش‌یابی برنامه درسی، آموزش و برنامه درسی و... گسترش دهد. همچنین این حوزه نتوانسته خود را به مسائل برنامه درسی و آموزشی حوزه‌های کاربردی نظیر صنعت نزدیک نماید. رجوع به آمار و ارقام مربوط به این زمینه مویذ این مطلب است. به جرات می‌توان گفت که بر اساس جستجوهای انجام شده در منابع و پایگاه‌های اطلاعاتی مختلف، کل آثار اعم از مقالات، کتاب‌ها و پژوهش‌های مستقیم موجود در حوزه مباحث برنامه درسی در صنعت به تعداد انگشتان یک دست نیز نمی‌رسد و حتی یک اثری که در آن عنوان صنعت و برنامه درسی وجود داشته باشد، یافت نمی‌شود. همه این شواهد حاکی از آن است که متخصصان برنامه درسی نتوانسته‌اند به صورت جدی به مسائل کاربردی و سازمانی برنامه درسی در بخش‌های مختلف جامعه ورود پیدا کنند.

ب) از سوی دیگر، تحلیل وضعیت موجود نظام‌های آموزشی مراکز صنعتی بیانگر این است که اساساً آموزش در شرکت‌های صنعتی امری حاشیه‌ای و پیرامونی است. این ادعا را می‌توان به استناد به برخی از شواهد و قرائن پژوهش حاضر مورد تأیید قرار داد.

براساس آمار و اطلاعات اخذ شده از سازمان صنایع و معادن استان خراسان رضوی، در حدود ۳۶۰۵ واحد یا شرکت صنعتی تولیدی در شهرستان مشهد تا اواخر سال ۱۳۸۸ مشغول فعالیت می‌باشند که دارای پروانه قانونی ثبت شده از سوی سازمان صنایع و معادن استان خراسان رضوی می‌باشند. صنعت غالب، صنایع غذایی است به گونه‌ای که از نظر تعداد، حجم سرمایه‌گذاری و اشتغال کل واحدهای تولیدی مشهد را صنایع غذایی را تشکیل می‌دهد. مطالعات نشان می‌دهد ارتقا و اشاعه تولید در کارگاه‌های صنعتی استان و شهرستان نیازمند توجه به مسائل آموزش علمی نیروی انسانی شاغل است و یکی از راهکارهای جدی گسترش و اشاعه علمی و دقیق آموزش ضمن خدمت جهت ایجاد سرمایه انسانی ماهر است (سلیمی فر،

۱. curriculum studies

تحلیلی بر میزان اهمیت و به‌کارگیری دستاوردهای علمی...

شعبانی و ذبیحی، ۱۳۸۸: ۸۲). اما بر طبق یافته‌های پژوهش حاضر تمام مدیران آموزش شرکت‌های صنعتی مورد بررسی افراد غیرتخصصی بوده و غالب آن‌ها حتی دوره خاصی نیز در این رابطه (علوم تربیتی و برنامه درسی) ندیده‌اند. در این پژوهش علاوه بر پرسش‌نامه، از ابزار تکمیلی مصاحبه به منظور بسط و تبیین یافته‌ها استفاده گردید. مصاحبه با برخی از مدیران آموزشی شرکت‌های صنعتی مورد بررسی و همچنین برخی از مسئولین مرتبط دیگر نظیر مدیر آموزش سازمان صنایع و معادن استان خراسان رضوی نشان می‌دهد که موضوع آموزش در شرکت‌های صنعتی استان با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌باشد. یکی از این مشکلات نبود نظارت کارآمد و حساسیت جدی نسبت به آموزش از سوی مدیران شرکت‌های صنعتی به‌طور اعم، و مسئولین آموزش شرکت‌های صنعتی به‌طور اخص می‌باشد. هنوز اکثر مدیران یاد شده آموزش را مقوله‌ای هزینه‌ای می‌پندارند تا سرمایه‌ای. یکی دیگر از مشکلات و آسیب‌های فراروی نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی آن است که اکثر شرکت‌های صنعتی و سازمان‌های مربوطه، فاقد جهت‌دهی، سازماندهی و هماهنگی لازم، به‌طور کلی فاقد یک برنامه‌ریزی استراتژیک مناسب در زمینه آموزش نیروی انسانی شرکت‌های صنعتی هستند و در نهایت؛ به‌طور کلی اکثر مصاحبه‌شوندگان اذعان داشته‌اند که شرکت‌های صنعتی در مواجهه با مسائل آموزشی به‌طور اعم و مسائل مرتبط با برنامه درسی به‌طور اخص، فاقد جهت‌گیری تخصصی و علمی می‌باشند و از رویه‌های علمی و تخصصی در طراحی آموزش و دوره‌های آموزشی استفاده نمی‌شود. از این‌رو، اکثر امور مربوط به مسائل آموزشی و برنامه درسی به صورت سلیقه‌ای، تجربی و غیرتخصصی تنظیم و پیگیری می‌شود.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، این آسیب شناسی دو سویه - هم از نظر حوزه برنامه درسی و متخصصان آن و هم از سوی سیاست‌گذاران، طراحان و دست‌اندرکاران نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی - را می‌توان زنگ خطری جدی قلمداد نمود. استمرار وضعیت کنونی، یقیناً نمی‌تواند نویدبخش آینده‌ای روشن برای رشته برنامه درسی در کشور باشد. این وضعیت اسفبار می‌تواند حوزه برنامه درسی را حوزه‌ای غیرکاربردی و بی‌فایده جلوه نماید^۱ که در این صورت خود را از خویش و دیگران بیگانه نموده است. اما توجه به ظرفیت‌ها و وضعیت موجود، به‌ویژه در حوزه‌های صنعتی، پزشکی و ... و استفاده از وضعیت موجود برای شناساندن حوزه برنامه

^۱ - البته منظور این نیست که رشته برنامه درسی صرفاً با مسائل کاربردی سر و کار دارد.

درسی به بخش‌های مختلف جامعه می‌تواند فرصت بی‌بدیلی باشد که این حوزه را از بی‌رمقی، کلیشه‌ای و کلی بودن مسائل و پژوهش‌های انجام شده در خصوص برنامه درسی رهایی بخشد. از سویی دیگر، همین زنگ خطر را نیز می‌توان برای نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی متصور شد. ادامه وضعیت حاضر برای نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی مبین مواجهه غیرعلمی، روزمره‌گرایانه و غیرتحویلی است. آنچه شرکت‌های صنعتی را به نوآوری و پویایی سوق می‌دهد، آموزش نیروی انسانی است. و بی‌تردید یکی از مکانیسم‌ها و ملزومات آموزش در سازمان‌های عصر جدید، بهره‌گیری از دستاوردهای علمی حوزه‌های مختلف من جمله، علوم آموزشی و برنامه درسی است.

به نظر می‌رسد جهت عبور از وضعیت موجود و آشنا ساختن افراد ذی‌ربط و ذی‌نفع با به-کارگیری و پیوند دستاوردهای علمی حوزه برنامه درسی در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی، باید برنامه‌ریزی و مداخلات جدی در جهت پیوند عملی و اساسی میان مباحث حوزه برنامه درسی و نظام‌های آموزشی، از سوی متخصصان حوزه برنامه درسی و دست‌اندرکاران نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی صورت پذیرد. از این‌رو، برای بهبود وضعیت موجود پیشنهادات و توصیه‌های زیر از منظر پژوهشگر ارائه می‌گردد:

- برگزاری هم‌اندیشی‌های مشترک میان سیاست‌گذاران، مدیران، دست‌اندرکاران و طراحان مسئول در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی با متخصصان حوزه برنامه درسی.
- برگزاری همایش‌های علمی مستقل و ویژه در خصوص برنامه درسی و صنعت توسط مراکز علمی - تحقیقاتی نظیر انجمن مطالعات برنامه درسی ایران و سایر انجمن‌های تخصصی وابسته و مرتبط.
- گسترش تعاملات پژوهشی میان متخصصان برنامه درسی دانشگاهی با مراکز آموزشی نظام‌های صنعتی؛ زیرا توسعه دانشگاه و صنعت بدو ایجاد تعاملات لازم امکان‌پذیر نیست؛ مراکز صنعتی نیازمند به‌کارگیری نوآوری‌ها براساس علوم جدید در بخش تولید است. در مقابل، براساس رشد روزافزون نیازهای صنعت در بخش‌های مختلف از جمله آموزش، موضوعات پژوهشی و منابع مالی جدید برای دانشگاه‌ها ایجاد می‌شود (آیلا و ایزگورن^۱، ۲۰۱۰: ۳۴۴۰). بر این اساس، این تعاملات در قالب‌های مختلفی قابل پیگیری است؛

^۱. Ayla and Isgoren

تحلیلی بر میزان اهمیت و به‌کارگیری دستاوردهای علمی...

الف) انجام پروژه‌های تحقیقاتی و هدایت پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی در داخل دانشگاه، که برخی از درون‌دادهای آن برگرفته از مسائل آموزشی مراکز و شرکت‌های صنعتی باشد؛

ب) تعاملات و همکاری‌های پژوهشی فی‌مابین متخصصان حوزه برنامه درسی و صنعت در قالب پروژه‌هایی که ارتباط مستقیم و قوی با بخش صنعت داشته باشد؛

ج) تقویت و گسترش همکاری دانشگاه و صنعت در قالب طرح‌های اینترشیپ با محوریت مسائل آموزشی شرکت‌های صنعتی.

• گسترش رشته برنامه درسی از معنای عام و کلی به سمت رشته‌های تخصصی و کاربردی با گرایش مسائل سازمانی و صنعتی و به طور کلی، حوزه‌های کاربردی.

منابع

- ابیلی، خدایار. (۱۳۷۷). "آموزش و بهسازی نیروی انسانی: یک ضرورت سازمانی". فصلنامه مدیریت درآموزش و پرورش. دوره پنجم، شماره مسلسل ۱۷. صص، ۱۷ - ۱۱.
- سلیمی فر، مصطفی. شعبانی، محمدعلی. ذبیحی، اعظم (۱۳۸۸). "نقش سرمایه انسانی در تولید صنایع استان خراسان شمالی" (با تأکید بر صنایع بزرگ). مجله علمی - پژوهشی دانش و توسعه؛ ۱۶(۲۶): ۶۳-۸۵.
- شیخی، محمد (۱۳۷۳). "ارتباط متقابل آموزش و صنعت در کشورهای مختلف". دومین کنگره سراسری توسعه ارتباط صنایع با مراکز آموزشی و پژوهشی، مشهد؛ دانشگاه فردوسی مشهد.
- حق پناه، حسین (۱۳۷۶). "اهمیت و نقش آموزش در مراکز صنعتی و تولیدی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت صنعتی. تهران؛ دانشگاه تهران.
- ذبیحی، محمدرضا (۱۳۸۵). "بررسی نیازهای آموزشی مدیران صنایع استان خراسان رضوی". مشهد؛ سازمان صنایع و معادن استان خراسان رضوی.
- کلاین، فرانسیس (۱۹۸۵). "الگوهای طراحی برنامه درسی". ترجمه مهر محمدی، محمود (۱۳۸۳). "برنامه درسی: نظرها، رویکردها و چشم‌اندازها. پدیدآورنده": محمود مهر محمدی. مشهد: به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).

کرمی، مرتضی (۱۳۸۶). "طراحی الگوی مناسب آموزش صنعتی حین خدمت براساس رویکرد سازنده-گرایی و سیستمی و سنجش اثربخشی آنها در دو گروه مدیران و کارگران (مطالعه موردی: ایران خودرو خراسان)". رساله دکتری رشته برنامه درسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

مهرمحمدی، محمود (زمستان ۷۶ و بهار ۷۷). "ترکیب بهینه در فرایند تدوین برنامه درسی". فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی (ویژه‌نامه روان‌شناسی و علوم تربیتی). سال هفتم و هشتم، شماره ۲۴ صص: ۱۵۰-۱۳۵.

فتیحی واجارگاه، کورش (۱۳۸۱). اصول برنامه‌ریزی درسی. چاپ سوم. تهران: انتشارات ایران زمین.

نادری، ناهید (۱۳۸۶). "بررسی میزان رضایت‌مندی داروسازان شاغل در داروخانه و صنعت از نظام آموزش داروسازی در کشور". پایان‌نامه دکترای حرفه‌ای رشته داروسازی. تهران: دانشگاه علوم پزشکی تهران.

Aylaa, Candan Durak and Isgoren, Nuriye Çevik. (۲۰۱۰). University-industry cooperation in terms of textile-apparel education, *Procedia Social and Behavioral Sciences*, (۲), PP: ۳۴۳۷-۳۴۴۱.

Behar, Linda S. (۱۹۹۴). "An empirical analysis of curriculum domain: implications for program development and evaluation, *Peabody Journal of Education*. Vol. ۶۹, No. ۴, Our Evolving Curriculum, Part ۲, pp. ۱۰۰ - ۱۱۲.

Blair, Judith Dee. (۱۹۸۹). Development of a general industrial mathematics curriculum for Arkansas industry. ED Dissertation. University of Arkansas.

Brunner, Mark David. (۲۰۰۱). Use of curriculum domains and subsystems by elementary principals and teachers in instructional decision-making. Doctoral Dissertation. University of Florida.

Connelly And Lantz (۱۹۹۱). "Introduction: definitions of Curriculum". In Arieih Lewy (ED).The international Encyclopedia of Curriculum. pp. ۱۵ - ۱۸.

- Fliedner, Gene and Mathieson, Kieran. (۲۰۰۹). Academic Journal Learning Lean: A Survey of Industry Lean Needs. *Journal of Education for Business*, Vol. ۸۴, Issue. ۴, PP: ۱۹۴-۱۹۹.

McNeil, John D. (۲۰۰۶). Contemporary Curriculum in Thought and Action. Sixth Edition. Wiley Jossey – Bass Education, John Wiley & Sons, Inc. United States Of America.

Peterfreund, Stanley (۱۹۷۶). *Education in Industry--Today and In the Future*. Training and Development Journal, Vol. ۳۰, Issue. ۵, ۳۰ - ۴۰.

تحلیلی بر میزان اهمیت و به‌کارگیری دستاوردهای علمی...

- Price, Leigh. (۲۰۰۴). *Participatory curriculum development: lessons drawn from teaching environmental education to industry in Zimbabwe*, Environmental Education Research. Vol. ۱۰, No. ۳, PP. ۴۰۱ – ۴۰۷.
- Stewart, G and Rosemann, M. (۲۰۰۱). *Industry-oriented design of ERP-related curriculum--an Australian initiative*. Business Process Management Journal; Vol. ۷, No. ۳, PP: ۲۳۴ - ۲۴۲.
- Varnadore, William Lee. (۱۹۸۹). Characteristics of the meat industry in the year ۲۰۰۰ with implications for curriculum development in agricultural education. ED Dissertation. University of Georgia.
- Wojslaw, Charles Frank. (۱۹۹۱). A critical analysis of manufacturing in industry with implications for university curricula. ED Dissertation. University of San Francisco.
- Yaseen, Zahi. and Khanfar, Muhannad. (۲۰۰۹). "Sales Training Effectiveness: Managers' Perceptions in the United Arab Emirates Organizations". The Business Review, Cambridge. Vol. ۱۳, Number. ۲.

